

Psychometric Properties of Helicopter Parenting Instrument in Adolescents

Fatemeh Fooladi*
Hossien PourPshahriar**
Sara Ebrahimi***

Introduction

Helicopter parenting is a unique form of parenting style that is generally described as highly intensive and highly involved with the children. A particular parenting style influences all phases of the development and lifestyle of adolescents. Helicopter parents overly protect their children from difficulties by setting some set of instructions without consideration of the uniqueness of their children. Recent literature has gotten huge attention on this parenting style and debating the pros and cons of the development of the child. Higher life satisfaction and better psychological well-being have been found in children of highly intrusive parents. When there are positive effects of helicopter parenting, there are negative outcomes and impacts that have also been studied. The difficulties in emotional regulation, academic productivity, and social skills among children raised by helicopter parenting have been reported in the literature. Low self-efficacy, lack of trust in peers, and alienation from peers has also been associated with helicopter parenting. So, the purpose of the present study was to investigate the psychometric adequacy of the perception of helicopter parenting instruments.

Method

The study population included all adolescent girls in Kerman in 1400. To collect samples, 422 of them in the age group of 18 to 15 years were selected by snowball sampling method. In the present correlation study, Adolescents responded to the 10-item helicopter parenting instrument with Pistella, Izzo,

* Department of Counseling, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Shahid Beheshti University. Tehran, Iran.

** Assistant Professor of Clinical Psychology, Faculty of Psychology and Education, Department of Clinical Psychology and Consultation, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

*** Assistant Professor, Organization for Educational Research and Planning (OERP), Tehran, Iran. *Corresponding Author:* sa_ebrahimi@sbu.ac.ir

Isolani, Ioverno, and Baiocco (2020) and the 44-item Leung and Shek (2018) over parenting scale. To determine the validity coefficient of the helicopter parenting instrument from exploratory and confirmatory factor analysis and to check its internal consistency from Cronbach's alpha coefficient by SPSS and Amos 24 was used. Also, to study the validity of the structure of the helicopter parenting instrument, its correlation coefficient with the over-parenting scale was reported.

Results

The results of principal component analysis (PC) and varimax rotation replicated 2-factor structures: mental engagement & practical engagement in the Iranian samples. Indicators of confirmatory factor analysis also showed that the two-factor structure of the instrument has an acceptable fit with the data and the model is approved. Correlational analyses between the perception of the helicopter parenting instrument's factors and with overparenting scale's factors provided initial evidence for the perception of helicopter parenting instrument convergent validity. internal consistency for the perception of helicopter parenting instrument's factors was desirable ($\alpha=0.85$).

Conclusion

In sum, these findings provide evidence for the validity and reliability of the perception of helicopter parenting instrument as an instrument to assess the helicopter parenting instrument among Iranian samples. The application of this tool at the level due to the influence of culture requires standardization at large levels and in different social contexts. Overall, the findings of the present study show that the Persian version of the perception of helicopter parenting instrument as a multidimensional self-report tool in the field of parenting studies, in terms of psychometrics to measure the multiple dimensions of helicopter parenting in Iranian girls' adolescents, is an accurate and reliable tool. Ease of use, brevity, and evaluation of two important factors of parenting are its strengths

Keywords: Girl Adolescents, Helicopter Parenting, Perception, Psychometric Aptitude

Author Contributions: Author 2 was responsible for leading the overall research process. Author 1 was responsible for research plan design, data collection, writing and editing. Author 3 was responsible for analysis and all authors discussed the results, reviewed and approved the final version of the manuscript.

Acknowledgments: The authors thank all dear girl adolescents who have helped us in this research.

Conflicts of Interest: The authors declare there is no conflict of interest in this article.

Funding: This article did not receive financial support.

ویژگی‌های روان‌سنجی ابزار والدگری هلیکوپتری فرم کوتاه در نوجوانان

فاطمه فولادی*

حسین پورشهریار**

سارا ابراهیمی***

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی ابزار والدگری هلیکوپتری انجام شد. جامعه پژوهش شامل تمامی نوجوانان دختر شهر کرمان بود. به منظور جمع‌آوری افراد نمونه، تعداد ۴۲۲ نفر از آن‌ها در سنین ۱۵-۱۸ ساله با استفاده از روش نمونه‌گیری گلوله برفی انتخاب شدند. در مطالعه حاضر، نوجوانان به ابزار والدگری هلیکوپتری پیستلا و همکاران (۲۰۲۰) و مقیاس فراوالدگری لئونگ و شک (۲۰۱۸) پاسخ دادند. به منظور تعیین روایی عاملی ابزار والدگری هلیکوپتری از تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی و به منظور بررسی همسانی درونی آن از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. همچنین، به منظور مطالعه روایی سازه ابزار والدگری هلیکوپتری، ضریب همبستگی آن با مقیاس فراوالدگری گزارش شد. نتایج تحلیل مؤلفه‌های اصلی با استفاده از چرخش واریماکس نشان داد ابزار والدگری هلیکوپتری از دو عامل درگیری ذهنی و درگیری عملی تشکیل شده است. شاخص‌های تحلیل عاملی تأییدی نیز بیانگر آن بود که ساختار دو عاملی ابزار برآزش قابل قبولی با داده‌ها دارد و مدل مورد تأیید است. نتایج مربوط به همبستگی بین ابعاد والدگری هلیکوپتری با فراوالدگری به طور تجربی از روایی سازه والدگری هلیکوپتری حمایت کرد. همچنین، ضریب همسانی درونی ابزار والدگری هلیکوپتری ($\alpha=0/85$) مطلوب گزارش شد. در مجموع، یافته‌های پژوهش نشان داد که ابزار حاضر برای سنجش سبک والدگری هلیکوپتری در نوجوانان دختر ابزاری روا و معتبر است.

کلید واژگان: ادراک، کفایت روان‌سنجی، نوجوانان دختر، والدگری هلیکوپتری

* دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

** استادیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

*** استادیار، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

مقدمه

یکی از مهم‌ترین مراحل رشد انسان دوره نوجوانی است که به علت شروع بلوغ و تغییرات فیزیولوژیکی و روان‌شناختی، می‌تواند چالش‌های فراوانی را برای نوجوان و خانواده‌اش به وجود آورد (Ghorbani & Juma Nia, 2018). در این دوره نیازهای جدید و ناشناخته‌ای برای نوجوانان شکل می‌گیرند. نیاز جنسی و نیاز به استقلال و هویت‌یابی شدت می‌گیرد و پدیده اسطوره شخصی (personal fable) در آن‌ها به وجود می‌آید (Rahmanian et al., 2019). خانواده به عنوان اولین اجتماع طبیعی می‌تواند بر ارضای نیازهای نوجوانان، بسیار تأثیرگذار باشد. این تأثیرگذاری و نقش محوری، در چارچوب نظریه خود تعیین‌گری (self-determination theory) قابل تبیین است (Tanhay Reshvanloo et al., 2019). در نظریه خود تعیین‌گری بر سه نیاز ذاتی استقلال (need for autonomy)، شایستگی (competence) و تعلق و وابستگی (need for relatedness) که برای رشد سالم انسان ضروری هستند، تأکید می‌شود. هر یک از این نیازها اگر در قالب روابط بین فردی در خانواده ارضاء شوند، رشد، یکپارچگی و بهزیستی فرد را تسهیل خواهند کرد. اما چنانچه والدین پاسخگوی نیازهای فرزندان خود نباشند، آسیب‌های روان‌شناختی جدی به بار خواهد آمد (Srivastav & Mathur, 2020). بنابراین توجه به سبک والدگری در خانواده‌ها به علت نقش کلیدی آن‌ها در خود تعیین‌گری فرزندان حائز اهمیت است.

خانواده یکی از ارکان مهم و اصلی جامعه به‌شمار می‌رود؛ زیرا اهمیت زیادی در سلامت روانی اعضای خانواده و ایجاد یک جامعه سالم دارد. در خانواده عوامل متعددی بر رشد و سلامت فرزندان مؤثرند اما از میان تمام آن‌ها، سبک والدگری حاکم در فضای خانوادگی اهمیت قابل توجهی دارد. سبک والدگری زمانی اثربخش است، که والدین ادراک مناسبی از نوجوانان داشته باشند، نظارت و کنترل دقیقی بر رفتار آن‌ها اعمال کنند و در عین حال نیازهای آنان را به خوبی پاسخ دهند (Hajkhodadadi et al., 2021).

سبک‌های والدگری از جمله عوامل مهم و تعیین‌کننده در تربیت و عملکرد فرزندان در آینده است. زیرا براساس فرایند انتقال چند نسلی هر یک از والدین مطابق با شیوه‌ای که در خانواده اصلی خود آموخته‌اند، در روابط دیگر به خصوص با فرزندان خود نیز آن شیوه را تکرار می‌کنند و الگویی یکسان را به فرزندان خود انتقال می‌دهند (Nabavi Hesar et al.,

2018). همچنین، بر اساس سبک‌های والدگری، الگوهایی از رفتارهای والدین در موقعیت‌های مختلف به کودکان و نوجوانان منتقل می‌شود و این انتقال، به رشد هیجانانگیز و درک نوجوان از محیط و ورود به جامعه کمک می‌کند (Leung & Tsang Kit, 2014).

در حالی که سبک‌های والدگری عمدتاً در سبک‌های مقتدرانه، مستبدانه و سهل‌گیرانه دسته‌بندی می‌شوند، اما سبک جدیدی از تعامل والدین و فرزندان با نام والدگری هلیکوپتری (helicopter parenting) توسط Cline and Fay (1990) مطرح شده است. این اصطلاح برای توصیف والدینی که بیش از اندازه در زندگی فرزندان خود نقش دارند، استفاده می‌شود (Segrin et al., 2012). در واقع، این والدین با در نظر گرفتن مجموعه‌ای از قوانین و دستورالعمل‌ها، بدون در نظر گرفتن توانایی‌های منحصر به فرد فرزندان خود، سعی در محافظت بیش از اندازه از آن‌ها در برابر مشکلات و چالش‌های زندگی دارند (Srivastav & Mathur, 2020). به عبارتی، والدگری هلیکوپتری فرایندی است که پدر و مادر هرگز به فرزندان‌شان اجازه ارتکاب اشتباه و تجربه استرس را نمی‌دهند (Hirsch & Goldberg, 2010). در چنین شیوه تربیتی، والدین به‌طور مداوم از فرزندان حمایت و پشتیبانی می‌کنند. بنابراین، چنین شرایطی ممکن است به عنوان مانعی برای رشد مهارت‌های حل مسئله و تصمیم‌گیری در نوجوانان تلقی گردد. این والدین از اقتدار زیادی برخوردارند به‌گونه‌ای که همواره در حال تصمیم‌گیری برای مراحل بعدی زندگی کودکان و نوجوانان خود هستند، بدون آن‌که مهارت‌های کافی برای کسب استقلال را به آن‌ها بیاموزند (Srivastav & Mathur, 2020). براین اساس، والدگری هلیکوپتری بر همه جنبه‌های زندگی نوجوان مانند پیشرفت‌ها و تصمیمات او تأثیر می‌گذارد.

والدگری هلیکوپتری، ممکن است تأثیرات منفی، مثبت یا ترکیبی از هر دو را بر شناخت، هیجانانگیز و روابط بین فردی نوجوانان داشته باشد. پژوهش‌ها نشان داده‌اند، فرزندان که سبک والدگری هلیکوپتری را تجربه می‌کنند، رضایت از زندگی و بهزیستی روان‌شناختی بیشتری را گزارش می‌کنند (Kwon et al., 2016)، اما در تصمیم‌گیری و مهارت‌های حل مسئله دچار مشکل هستند (Locke et al., 2012) و ناکارآمدی هیجانی بیشتری را به ویژه در راهبردهای مقابله‌ای از خود نشان می‌دهند؛ زیرا به دلیل مداخلات بسیاری که والدین هنگام تصمیم‌گیری در برابر مشکلات و چالش‌ها اعمال کرده‌اند، فرصت کافی برای مواجهه و رشد را نداشته‌اند و

در نتیجه مهارت‌های مقابله‌ای را یاد نگرفته‌اند (Perry et al., 2018). یکی دیگر از تأثیرات منفی والدگری هلیکوپتری، عدم شکل‌گیری هویت مشخص و مستقل در نوجوانان است، زیرا طبق نظریه تمایز یافتگی در خانواده (family differentiation theory) وجود تعادل در تعاملات خانوادگی زمینه رشد سالم فرزندان را فراهم می‌سازد. زمانی که مرزهای بین فردی در خانواده کاملاً مشخص نیست احساس استقلال و فردیت در فرزندان به خوبی شکل نمی‌گیرد. در سبک والدگری هلیکوپتری مرزهای بین اعضاء قابل مشاهده و تشخیص نیست و این عدم مرزبندی، تأثیر منفی بر شناخت، هیجان و رفتار نوجوان بر جای خواهد گذاشت و باعث ناسازگاری‌های روان‌شناختی خواهد شد (Schiffirin et al., 2014).

علاوه بر این، والدگری هلیکوپتری می‌تواند به افزایش اضطراب و افسردگی (Schiffirin et al., 2019) خودشیفتگی (Segrin et al., 2012)، کاهش عزت‌نفس (Segrin et al., 2015) و کاهش سازگاری و عملکرد تحصیلی (Schiffirin et al., 2019; Luebbe et al., 2018) در نوجوانان منجر شود. در حال حاضر، در کشورهای مختلف برای ارزیابی تأثیر سبک والدگری هلیکوپتری اقدامات متعددی در حال انجام است؛ زیرا به دلیل تنوع فرهنگی، مفهوم والدگری هلیکوپتری می‌تواند متفاوت باشد. (Kwon et al., 2016) معتقد است که کودکان آسیایی در مقایسه با کودکان آمریکایی به شدت به والدین خود وابسته هستند و استقلال و جدایی نوجوانان برای والدین و خود آن‌ها بسیار سخت‌تر می‌باشد. بنابراین، احتمالاً والدین آسیایی از سبک والدگری مقتدرانه استفاده می‌کنند که ویژگی‌های مشترک زیادی با والدگری هلیکوپتری دارد (Rathor, 2017). در نتیجه والدگری هلیکوپتری در آسیا از نظر کیفیت در جوامع غربی متفاوت است. در فرهنگ آسیا، رفتارهای هلیکوپتری والدین یک عمل عادی و بهنجار در نظر گرفته می‌شود؛ مثلاً مرخصی گرفتن والدین در روز امتحان فرزندانشان و منتظر ماندن آن‌ها تا اتمام امتحان در مدارس کشورهای آسیایی امری معمول است (Ganaprakasam et al., 2018). در ترکیه نیز والدگری هلیکوپتری جایگاه و ارزش بیشتری دارند (Ertuna, 2016). بر این اساس، همان‌طور که Kwon et al. (2017) به آن معتقدند بافت و زمینه‌های اجتماعی، ارزش‌ها، انتظارات و سبک زندگی افراد می‌تواند بر سبک‌های والدگری و پیامدهای آن‌ها بر فرزندان تأثیرگذار باشد.

در سال‌های اخیر، پژوهش‌های متعددی به طراحی و ارزیابی ویژگی‌های روان‌سنجی ابزارهای اندازه‌گیری والدگری هلیکوپتری در نمونه‌های نوجوان و زمینه‌های مختلف فرهنگی پرداخته‌اند. مقیاس والدگری هلیکوپتری (Lemoyne and Buchanan (2011) از همسانی درونی مناسبی برخوردار است. همچنین در پژوهش Kwon et al. (2017) همسانی درونی این مقیاس ($\alpha=0.70$) مطلوب برآورد شد اما در مورد روایی آن نتیجه مناسبی حاصل نشد. پژوهش دیگری که توسط Odenweller et al. (2014) انجام شد، نشان داد که ابزار والدگری هلیکوپتری در مقایسه با سبک‌های والدگری مستبدانه، مقتدرانه و سهل‌گیرانه از روایی و اعتبار مناسبی ($\alpha=0.78$) برخوردار است. از سوی دیگر، Schiffrin et al. (2014) پرسشنامه رفتارهای والدگری هلیکوپتری (Helicopter Parenting Behaviors Questionnaire (HPB) را برای سنجش والدگری هلیکوپتری در جامعه نوجوانان و جوانان طراحی کردند. همسانی درونی ابزار ($\alpha=0.77-0.82$) قابل قبول گزارش شده است (Schiffrin et al., 2014).

با وجود اینکه پرسشنامه‌ها و مقیاس‌های مختلفی در زمینه سبک‌های والدگری طراحی و اعتباریابی شده‌اند (Amirsardari et al., 2016; Julaieha et al., 2017). با این حال، یکی از محدودیت‌های این ابزارها، طولانی بودن تعداد سؤالات آن‌ها (۷۰ گویه) است که بار اضافی پاسخدهی (respondent burden) ایجاد می‌کند (Galesic & Bosnjak, 2009). این امر می‌تواند یک عامل بازدارنده در استفاده از ابزارهای موجود باشد و مشارکت افراد را در تکمیل پرسشنامه را کاهش دهد. از سوی دیگر، ابزارهای موجود در زمینه سبک‌های والدگری، بیشتر بر نحوه والدگری تمرکز دارند و در طراحی آن‌ها از روش‌های مشاهده‌ای (Baumrind, 1971) یا خودگزارشی والدین (Arnold et al., 1993) استفاده شده است. این در حالی است که مؤلفه اصلی یعنی رفتارهای والدگری در سنجش روابط والد-کودک مغفول مانده است (Rousseau & Scharf, 2018). در ایران نیز ویژگی‌های روان‌سنجی ابزار فراوالدگری برای اندازه‌گیری سبک والدگری افراطی والدین مورد بررسی قرار گرفته است. (Julaieha et al., 2017) پرسشنامه فراوالدگری (Hawk & Holden, 2006) را با هدف ارزیابی فراوالدگری و هنجاریابی آن بر روی مادران ایرانی مورد بررسی قرار دادند.

مقایسه‌های میان‌فرهنگی حاکی از تأثیر فرهنگ بر تمام جنبه‌های والدگری اعم از

شناخت‌ها و رفتارها است. فرهنگ تعیین می‌کند که چه محدودیت‌هایی باید برای فرزندان در نظر گرفته شود (Gafur & Kurukkan, 2014). با توجه به ابزارهای به‌روزی که در حوزه اندازه‌گیری والدگری هلیکوپتری در پژوهش‌های جهانی طراحی شده و لزوم استفاده از آنها در پژوهش‌های داخلی به دلیل نبود ابزاری جدید جز ابزاری که در پژوهش Julaieha et al. (2017) بررسی و معرفی شده است، از این رو ضروری است ویژگی‌های روان‌سنجی ابزارهای معتبر این حوزه متناسب با فرهنگ بومی کشور بررسی شود. از سوی دیگر، از آنجاکه نوجوانی دوره گذار و ورود به بزرگسالی است و چنانچه والدین در فراهم ساختن امکان تجربه استقلال، شایستگی و تعلق افراط و تفریط داشته باشند، فرزندان در پذیرش نقش‌های حرفه‌ای، اجتماعی و زندگی آتی به مشکل بر خواهند خورد، بر این اساس و به منظور پوشش خلاء موجود در ادبیات سبک‌های والدگری افراطی در میان پژوهشگران ایرانی علاقه‌مند به پژوهش در این حوزه، ضرورت دسترسی به ابزاری برای سنجش والدگری هلیکوپتری میان نوجوانان ایرانی، آشکار می‌گردد. بر این اساس، پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به این پرسش است که آیا مقیاس ادراک از والدگری هلیکوپتری از پایایی و روایی مناسب در جامعه ایرانی برخوردار است یا خیر؟

روش

جامعه آماری، نمونه و روش نمونه‌گیری

پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش، تمامی نوجوانان دختر (۱۵-۱۸) ساله شهر کرمان در سال ۱۴۰۰ بودند که از این میان ۴۲۲ نفر با میانگین سنی (۱۷/۰۳ سال) با استفاده از روش نمونه‌گیری گلوله برفی مجازی و بر مبنای پیشنهاد (Kline, 2011) به عنوان نمونه انتخاب شدند. برای بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی ابزارهای پژوهش نمونه‌ای به حجم ۳۰ نفر از نوجوانان به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند و ابزارهای پژوهش به صورت مقدماتی در میان آنها اجرا شد. به منظور اجرای پژوهش، نشانی اینترنتی ابزارها در گروه‌های دختران دوره متوسطه دوم ارسال شد و آنها نیز برای نوجوانان و گروه‌های مدارس متوسطه دیگر ارسال کردند و این زنجیره تا تکمیل نمونه ادامه یافت. ابزارها برای اطمینان از محرمانه‌بودن و قابلیت اعتماد داده‌ها به صورت ناشناس ارسال شدند. همچنین از شرکت کنندگان

خواسته شد تا از ذکر نام و نام‌خانوادگی خودداری گردید.

ابزارهای پژوهش

ابزار والدگری هلیکوپتری (Helicopter Parenting Instrument-Short Version)

(HPI-S): نسخه کوتاه ابزار والدگری هلیکوپتری (Pistella et al., 2020) ابزار خودگزارشی است که با ۱۰ گویه، نگرش و ادراک نوجوانان را از رفتارهای والدگری مورد ارزیابی قرار می‌دهد. پاسخ‌ها بر روی مقیاس ۷ گویه‌ای لیکرت درجه‌بندی شده از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۷ (کاملاً موافقم) نشان داده می‌شوند. اعتبار ابزار به روش همسانی درونی در پژوهش Pistella et al. (2020) برای مادران و پدران به ترتیب (۰/۷۸ و ۰/۷۹) و در مطالعه مقدماتی پژوهش حاضر که بر روی ۳۰ دختر نوجوان (۱۵-۱۸) ساله انجام شد، (۰/۸۶) به دست آمد. روایی همگرای ابزار نیز با بررسی همبستگی دو نسخه مربوط به پدران و مادران هلیکوپتری (۰/۶۵) گزارش شد (Pistella et al., 2020).

به منظور آماده‌سازی نسخه فارسی ابزار والدگری هلیکوپتری (Pistella et al., 2020) از روش ترجمه مجدد استفاده شد. بنابراین، نسخه انگلیسی آن برای نمونه دختران ایرانی به زبان فارسی ترجمه شد. برای این منظور، با هدف حفظ هم‌ارزی زبانی و مفهومی، نسخه فارسی به کمک یک فرد دو‌زبانه دیگر به انگلیسی برگردانده شدند. در ادامه، دو مترجم درباره تفاوت موجود بین نسخه‌های انگلیسی بحث کردند و از طریق فرایند مرور مکرر، این تفاوت‌ها به حداقل ممکن کاهش یافت. سپس مترادف معنایی نسخه ترجمه شده با نسخه اصلی به دقت بررسی شد. در نهایت، چند نفر از متخصصین (۱۲ نفر از اعضای هیأت علمی)، روایی صوری و محتوا و تطابق فرهنگی ابزار را ارزیابی و تأیید کردند.

برای تعیین روایی صوری نسخه ترجمه‌شده، از ۱۰ نفر نوجوان درخواست شد که درباره سهولت تکمیل مقیاس، دستور زبان و املائی کلمات و شفاف بودن سبک نگارشی گویه‌ها اظهار نظر نمایند. همچنین، روایی صوری مقیاس و تطابق فرهنگی آن پس از ارزیابی توسط ۱۲ متخصص در این حوزه مورد تأیید قرار گرفت. در بررسی روایی محتوا از نسبت روایی محتوا (CVR) استفاده شد که برای تعیین آن ۱۲ نفر از متخصصان، هر گویه را بر اساس طیف سه گویه‌ای لیکرت (ضروری است، مفید است اما ضروری نیست، ضرورتی ندارد) بررسی کردند.

ارزش عددی نسبت روایی محتوا محاسبه و با جدول لاوشه انطباق داده شد و اعداد بالاتر از (۰/۵۶) مورد قبول واقع شدند. تمامی گویه‌ها مساوی یا بزرگتر از (۰/۶۶) بودند که از عدد جدول لاوشه بزرگتر بودند. نتایج حاکی از آن است که گویه‌های ضروری و مهم در این ابزار به‌کارگرفته شدند. سپس با اجرای مقدماتی مقیاس در میان ۳۰ نوجوان، ویژگی‌های روان‌سنجی این ابزار تعیین و پس از تصحیح، برای اجرای نهایی آماده شد.

مقیاس فراوالدگری (Overparenting Scale): مقیاس فراوالدگری (Leung & Shek, 2018)

(2018) ابزاری خودگزارشی است که با ۴۴ گویه رفتارهای کنترل‌گرانه والدین را نشان می‌دهد. پاسخ‌ها بر روی مقیاس ۶ گویه‌ای لیکرت درجه‌بندی شده از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۶ (کاملاً موافقم) نشان داده می‌شوند. مقیاس فراوالدگری شامل ۸ زیرمقیاس است که عبارتند از: دخالت مستقیم در امور زندگی کودک (مانند باید بر اساس برنامه دقیق مادرم پیش بروم)؛ حل مسئله پیش‌بینانه (مانند مادرم تلاش زیادی می‌کند تا مشکلاتم را حل کند)؛ درگیری عاطفی افراطی (مانند زمانی که دچار مشکل می‌شوم، مادرم بیشتر از من دچار استرس می‌شود)؛ مقایسه کودک همسالان (مانند مادرم همیشه از من انتظار دارد که بهتر از بقیه باشم)؛ بیش‌برنامه‌ریزی (مانند مادرم من را مجبور می‌کند در کلاس‌های آموزشی شرکت کنم)؛ کنترل‌گری (مانند باید همه چیز را به مادرم اطلاع دهم)؛ مراقبت افراطی (مانند مادرم هر چه را بخواهم تأمین می‌کند)؛ تأکید زیاد بر عملکرد تحصیلی کودک (مانند مادرم بسیار به امتحاناتم توجه می‌کند). اعتبار ابزار به روش همسانی درونی در پژوهش (Leung and Shek (2018) $a=0/95$) و برای هر یک از خرده‌مقیاس‌ها بین $(a=0/83-0/91)$ به دست آمد. در مطالعه مقدماتی پژوهش حاضر که بر روی ۳۰ دختر نوجوان (۱۵-۱۸) ساله انجام شد، $(a=0/95)$ و برای هر یک از خرده‌مقیاس‌ها $(a=0/75-0/93)$ به دست آمد. بررسی روایی سازه در پژوهش (Shek and Law (2014) حاکی از سه زیرمقیاس رفتارهای کنترل‌کننده مادر، کنترل روان‌شناختی مادر و کیفیت رابطه مادر-کودک بود که در مجموع $(0/60/3)$ از واریانس را تبیین می‌کردند.

در این پژوهش، ضمن برآورد ویژگی‌های روان‌سنجی یعنی همسانی درونی و روایی همگرای ابزار والدگری هلیکوپتری از طریق بررسی همبستگی ابعاد آن با مقیاس فراوالدگری، از دو طریق تحلیل عاملی اکتشافی و تحلیل عاملی تأییدی با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS و AMOS نسخه ۲۴، ساخت عاملی آن مورد بررسی قرار گرفت و برازنده‌ترین الگوی عاملی

معرفی گشت. تحلیل داده‌ها بر پایه نظریه کلاسیک تست انجام شد. ابقا یا حذف مواد مقیاس به اتکای مشخصه‌های آماری تحلیل عاملی صورت گرفت. در این مطالعه برای استفاده از تحلیل عامل تأییدی از روش حداکثر احتمال برای برآورد الگو و همسو با پیشنهاد Hu and Bentler (1999) به منظور ارائه یک ارزیابی جامع از برازش الگو از شاخص مجذور خی (χ^2)، شاخص مجذور خی بر درجه آزادی (χ^2/df)، شاخص برازش مقایسه‌ای (CFI)، شاخص نیکویی برازش (GFI)، شاخص نیکویی برازش انطباقی (AGFI) و خطای ریشه مجذور میانگین تقریب (RMSEA) استفاده شد.

یافته‌ها

در پژوهش حاضر، ضریب آلفای کرونباخ ($\alpha=0/85$) ابزار والدگری هلیکوپتری در اجرای نهایی، که بر روی ۴۲۲ نوجوان دختر انجام شد، نشان داد که این مقیاس از پایایی مناسب برخوردار است. به منظور توصیف ساختار عاملی ابزار والدگری هلیکوپتری در نوجوانان دختر، همسو با مطالعه Pistella et al. (2020) از روش تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد. قبل از انجام تحلیل عاملی اکتشافی، اندازه شاخص کفایت نمونه‌برداری کایزر، میر و الکین محاسبه شد که برابر با (۰/۸۷) و آزمون کرویت بارتلت ($\chi^2=1/39$, $p<0/001$) به دست آمد که نشان می‌دهد نمونه و ماتریس همبستگی برای این تحلیل مناسب بودند.

Table 1.
Statistical characteristics of helicopter parenting scale using PC method for two-factor structure

	Factors	Special Value	Percentage of variance	Percent density
Helicopter Parenting	Mental Engagement	4.28	42.86	42.86
	Practical Engagement	1.21	12.18	55.04

نتایج تحلیل عاملی اکتشافی در جدول (۱) حاکی از ساختار دو عاملی ابزار والدگری هلیکوپتری است. مناسب‌ترین عامل‌ها با در نظر گرفتن ارزش‌های ویژه و درصد واریانس تبیین شده، با روش مؤلفه‌های اصلی و چرخش واریماکس استخراج شدند. این دو عامل در مجموع (۵۵/۰۴) درصد از واریانس کل را برآورد می‌کنند.

جدول (۲) اندازه‌های توصیفی میانگین و انحراف استاندارد، بار عاملی و اشتراک گویه‌های ابزار ادراک از والدگری هلیکوپتری را نشان می‌دهد. یافته‌ها حاکی از آن است که همه گویه‌ها

Table 2.
Descriptive measurements of mean and standard deviation, operating loads, and common share of helicopter parenting instrument items

Subscription	Common share	Standard deviation	Mean	Statements
Mental Engagement				
0.68	0.82	1.92	4.84	۹. هنگامی که در شرایط دشواری قرار دارم، مادرم همیشه تلاش می‌کند آن را درست کند.
0.61	0.74	2.02	3.81	۱۰. مادرم فکر می‌کند وظیفه اوست که من را از گرفتاری دور کند.
0.57	0.73	1.80	4.71	۷. مادرم وقتی مشکلم را حل می‌کند، خود را مادر خوبی می‌داند.
0.54	0.61	2.02	3.48	۴. مادرم اگر هنگام بروز مشکل برای من مداخله نکند و نجاتم ندهد، خود را مادر بدی می‌داند.
0.34	0.56	1.83	4.93	۶. مادرم نظرش را درباره‌ی روابط شخصیم ابراز می‌کند.
0.48	0.55	1.89	2.91	۵. هنگامی که انتخاب‌های بدی می‌کنم، مادرم احساس می‌کند مادر بدی است.
0.47	0.51	2.17	3.99	۸. مادرم اصرار دارد که او را از کارهای روزانه‌ام مطلع کنم.
0.47	0.49	2.11	3.58	۳. گاهی مادرم بیشتر از خود من برای کارهایی که انجام می‌دهم وقت و انرژی می‌گذارد.
Practical Engagement				
0.70	0.83	2.05	4.28	۲. هنگامی که با تجربه بدی مواجه می‌شوم، مادرم واکنش زیادی نشان می‌دهد.
0.63	0.78	2.03	3.38	۱. مادرم همه تصمیم‌های مهم زندگیم را می‌گیرد.

دارای بار عاملی مناسب روی عامل مربوط به خود هستند. در مطالعه حاضر، قبل از تحلیل داده‌ها به کمک تحلیل عاملی تأییدی، همسو با پیشنهاد (Kline و Meyers et al. 2006) مفروضه‌های بهنجاری تک‌متغیری به کمک برآورد مقادیر چولگی و کشیدگی بهنجاری چندمتغیری و مقادیر پرت از طریق روش فاصله ماهالانوبیس و داده‌های گمشده به کمک روش بیشینه انتظار آزمون و تأیید شدند. در ادامه، همسو با مطالعه (Pistella et al. 2020) با هدف آزمون برانزندی الگوی ساختاری مفروض ابزار والدگری هلیکوپتری مشتمل بر دو عامل و ۱۰ گویه با داده‌های مشاهده در نمونه نوجوانان دختر ایرانی، از روش آماری تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد. به بیان دیگر، در این مطالعه، به کمک تحلیل عاملی تأییدی و با استفاده از نرم افزار آموس، الگوی دو عاملی مفروض آزمون شد.

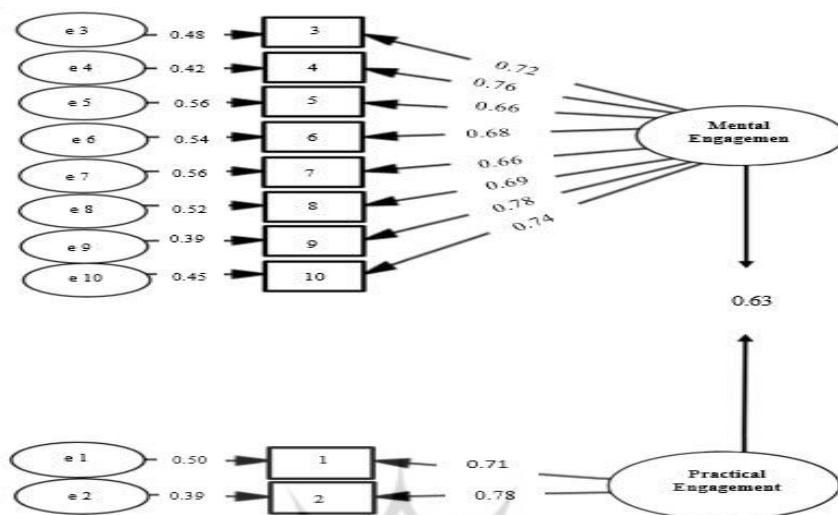


Figure 1. Operating structure of perception of helicopter parenting instrument

Table 3.
The two-factor pattern fit indices

Index name	Value	Limit
χ^2	123.64	$\geq 0/05$ p-value
χ^2/df	3.63	≤ 5
Comparative fit index (CFI)	0.89	$\geq 0/90$
The goodness of fit index (GFI)	0.91	$\geq 0/90$
Adjusted goodness of fit index (AGFI)	0.86	$\geq 0/90$
Root mean square error of approximation (RMSEA)	0.079	$\leq 0/08$

نتایج روش تحلیل عاملی تأییدی در نمونه نوجوانان دختر ایرانی حاکی از ساختار دو عاملی ابزار والدگری هلیکوپتری بود. نتایج مربوط به شاخص‌های برازش الگوی دو عاملی برای هر یک از شاخص‌های پیشنهادی (Hu & Bentler, 1999) شامل شاخص مجذور خی (χ^2)، شاخص مجذور خی بر درجه آزادی (χ^2/df)، شاخص برازش مقایسه‌ای (CFI)، شاخص نیکویی برازش (GFI)، شاخص نیکویی برازش انطباقی (AGFI) و خطای ریشه مجذور میانگین تقریب (RMSEA) برابر با (۰/۲۳/۶۴، ۳/۶۳، ۰/۸۹، ۰/۹۱، ۰/۸۶ و ۰/۰۷۹) به دست آمد.

Table 4.
Correlation matrix of helicopter parenting dimensions with over-parenting dimensions

Factor	Helicopter Parenting	
	Practical Engagement	Mental Engagement
The intrusion of a child's life and direction	0.53	0.52
Anticipatory problem-solving	0.25	0.60
Excessive effective involvement	0.26	0.50
Frequent comparisons of child's achievement with peers	0.59	0.40
Overscheduling of child's activities	0.46	0.50
Close monitoring	0.47	0.58
Excessive care	0.17	0.38
Strong emphasis on academic performance	0.34	0.50

P<0.01

به‌منظور بررسی روایی سازه ابزار والدگری هلیکوپتری، همبستگی بین ابعاد این ابزار با ابعاد مقیاس فراوالدگری گزارش شد. در جدول (۳)، همبستگی مثبت و معنی‌دار میان این ابزار با مقیاس فراوالدگری بیانگر روایی همگرایی ابزار والدگری هلیکوپتری است.

Table 5.
Convergent validity characteristics of helicopter parenting dimensions

Dimension	Mean extractive variance	Composite reliability
Helicopter Parenting	Mental Engagement	0.89
	Practical Engagement	0.71

در نهایت، در این مطالعه برای تعیین پایایی مرکب و میانگین واریانس استخراجی نسخه فارسی ابزار والدگری هلیکوپتری در نوجوانان دختر، شاخص‌های CR و AVE محاسبه شد که همان‌طور که در جدول (۴) مشاهده می‌شود برای زیرمقیاس‌های درگیری ذهنی و درگیری عملی به ترتیب $(CR=0/89, AVE=0/51)$ و $(CR=0/71, AVE=0/55)$ به دست آمد. با توجه به این‌که برای هر یک از ابعاد $CR > 0/7$ ، $AVE > 0/5$ و $CR > AVE$ است، می‌توان گفت زیرمقیاس‌ها از روایی همگرا برخوردارند.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف ویژگی‌های روان‌سنجی ابزار والدگری هلیکوپتری در گروهی از

نوجوانان دختر ایرانی انجام شد. بررسی روایی ابزار با تحلیل عاملی اکتشافی با استفاده از روش مؤلفه‌های اصلی و چرخش واریماکس حاکی از ساختار دو عاملی شامل درگیری ذهنی و درگیری عملی بود که این دو عامل در مجموع (۵۵/۰۴) درصد از واریانس کل را برآورد می‌کردند. نتایج تحلیل عاملی تأییدی نیز بیانگر ساختار دو عاملی این ابزار در نمونه ایرانی بود و شاخص‌ها برازش کافی و مناسب بودن ابزار را برای اندازه‌گیری والدگری هلیکوپتری نشان دادند. علاوه بر این، الگوی کیفی پراکندگی مشترک میان این عامل‌ها با ابعاد مقیاس فراوالدگری به‌طور تجربی از روایی همگرای ابزار والدگری هلیکوپتری حمایت کرد. همچنین، ارزش عددی ضرایب همسانی درونی برای ابزار والدگری هلیکوپتری ($\alpha=0/85$) نشان داد که این مقیاس از اعتبار لازم برخوردار است.

عدم تشابه نتایج مطالعه حاضر با یافته‌های Pistella et al. (2020) درباره ساختار عاملی ابزار والدگری هلیکوپتری نشان می‌دهد که توان تفسیری منطق نظری زیربنایی آن متأثر از بافت فرهنگی است. به بیان دیگر، عدم تشابه ساختار عاملی ابزار والدگری هلیکوپتری در نمونه نوجوانان دختر ایرانی با نسخه اصلی مقیاس، نشان می‌دهد که ساختار زیربنایی اصلی و سازوکارهای علی نظری تبیین‌کننده والدگری هلیکوپتری در نمونه‌هایی با فرهنگ‌های مختلف از اصول کلی متفاوتی پیروی می‌کند. بر این اساس، تفاوت در بافت‌های فرهنگی و تجربیات برداشت‌های متفاوت متأثر از آن‌ها، یکی از دلایل احتمالی وجود دو عامل درگیری عملی و درگیری ذهنی بر خلاف نسخه اصلی و تک عاملی ابزار والدگری هلیکوپتری (Pistella et al., 2020) است. بسترهای اجتماعی، ارزش‌ها، انتظارات و سبک زندگی افراد می‌تواند بر شیوه‌های والدگری و تأثیرات آن بر فرزندان تأثیرگذار باشد (Kwon et al., 2017). والدین کشورهای آسیای شرقی مانند ایران برخلاف کشورهای غربی رفتارهای هلیکوپتری و حمایت گونه افراطی بیشتر و گسترده‌تری از نظر ذهنی و عملی از خود نشان می‌دهند؛ زیرا اغلب تحت تأثیر دیدگاه‌های متقابل و جمع‌گرا هستند و فرزندان خود را مایه پیشرفت و افتخار خانوادگی خود می‌دانند و موفقیت فرزندان را نوعی موفقیت جمعی و نه فردی تصور می‌کنند. در کشورهای آسیایی، والدین عموماً از روش‌های انتقاد و اقتدار استفاده می‌کنند و دائماً به فرزندان خود یادآوری می‌کنند که از لحاظ عملی (واکنش‌ها و رفتارها) و ذهنی (آشفستگی‌های فکری و نگرانی‌ها) برای آن‌ها فداکاری کرده‌اند و از طریق مقایسه دستاوردهای فرزندان خود با دیگران

آنها را تحت فشار می‌گذارند که این رفتار، دلایل متعددی مانند توقعات و انتظارات سخت-گیرانه در مورد تحصیل فرزندان، انعطاف‌پذیری اندک، محدودیت در پذیرش تنوع‌ها، تأکید بر چگونگی ظاهر شدن در برابر دیگران و احساس درونی مبنی بر الزام در دخالت در زندگی فرزندان دارد (Kwon et al., 2017). در پژوهش حاضر به منظور تعیین روایی سازه ابزار والدگری هلیکوپتری (Pistella et al., 2020) الگوی پراکندگی مشترک بین ابعاد والدگری هلیکوپتری و ابعاد فراوالدگری (Leung & Shek, 2018) تحلیل شدند (Farahani, Bassaknezad, Davoodi, 2013). رابطه مثبت و معنی‌دار میان ابعاد والدگری هلیکوپتری با همه ابعاد فراوالدگری بیانگر آن است که والدینی که به صورت ذهنی و عملی درگیر فعالیت‌های فرزندان خود هستند، بیشتر در حل مسائل آن‌ها به صورت مستقیم دخالت دارند و سعی می‌کنند آن‌ها را تحت کنترل و مراقبت افراطی‌شان قرار دهند، بر موفقیت تحصیلی تأکید زیاد دارند و در این زمینه برای فرزندان برنامه‌ریزی‌های متعددی را در پیش می‌گیرند و پیشرفت‌ها را به طور مداوم با همسالان‌شان واری می‌کنند (Leung & Shek, 2018). رابطه قوی‌تر ابعاد درگیری ذهنی با حل مسئله و کنترل‌گری و درگیری عملی با همسالان بیانگر آن است که سطوح بالاتر والدگری هلیکوپتری با مشغله ذهنی برای حل مسائل و کنترل و نظارت بر امور فرزندان و مقایسه واقعی و عملی با پیشرفت‌های همسالان مرتبط است.

ارزیابی والدگری با استفاده از ابزار والدگری هلیکوپتری به ادبیات این حوزه می‌افزاید؛ چراکه هم درگیری ذهنی و عملی را در پرورش و پیگیری امور فرزندان اندازه‌گیری می‌کند و هم می‌توان از نتایج آن برای بررسی ارتباط با پیامدهای روان‌شناختی نوجوانان و تفاوت این پیامدها در گروه‌های فرهنگی مختلف پرداخت. بر اساس یافته‌های پژوهش و ساختار دو عاملی ابزار والدگری هلیکوپتری متفاوت از نسخه اصلی، به نظر می‌رسد افراد در فرهنگ‌های مختلف والدگری هلیکوپتری را به شیوه متفاوتی مفهوم‌سازی می‌کنند. برای نتیجه‌گیری معتبر در این زمینه، به نتایج مشابهی در بررسی‌های بعدی ساختار عاملی نیاز است.

شناسایی والدگری هلیکوپتری به عنوان یکی از منابع پیامدهای روان‌شناختی در نوجوانان (Schiffirin et al., 2014; Leung & Shek, 2018; Pistella et al., 2020) می‌تواند به متخصصان بهداشت روان کمک کند تا در صورت لزوم هنگام مشاوره به مراجعان، این سبک از والدگری را برای انجام بهتر مداخلات در نظر داشته باشند. همچنین، با توجه به اینکه

پژوهش حاضر، جز معدود پژوهش‌های این حوزه در کشور است، یافته‌های ارائه شده مقدماتی بوده و انجام پژوهش‌های جدید به منظور تکمیل فرایند اعتباریابی نسخه فارسی ابزار والدگری هلیکوپتری به عنوان یک ضرورت مهم پیشنهاد می‌شود. لذا این مطالعه، شروع کندوکاوی نظام‌مند است که هدف آن ارزیابی درگیری‌های والدین در مواجهه فرزندان با رخدادهای متعدد زندگی است.

برخی از محدودیت‌های پژوهش حاضر عبارتند از: ۱) اندازه‌های مربوط به ابزار از یک گروه جنسیتی جمع‌آوری شده است. بنابراین، به منظور تعیین ظرفیت تعمیم‌پذیری یافته‌ها به گروه‌های دیگر و نیز به منظور تحلیل هم‌ارزی جنسی ساختار عاملی (سنجش تغییرناپذیری عاملی در دو جنس) پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی نمونه‌هایی از هر دو جنسیت جمع‌آوری شود؛ ۲) آزمون ویژگی‌های فنی ابزار با تمرکز بر روایی عاملی و روایی همگرا مبتنی بود. بنابراین، سنجش ویژگی‌های فنی ابزار والدگری هلیکوپتری با تأکید بر روش‌های دیگر مانند روایی پیش‌بین پیشنهاد می‌شود؛ ۳) کاربرد این ابزار در سطح گسترده با توجه به تأثیرپذیری از فرهنگ، نیازمند هنجاریابی در سطح وسیع و بافت‌های مختلف اجتماعی است. در مجموع، یافته‌های مطالعه حاضر نشان می‌دهد که نسخه فارسی ابزار ادراک از والدگری هلیکوپتری به مثابه یک ابزار خودگزارشی چندبعدی در قلمرو مطالعات والدگری، از لحاظ روان‌سنجی برای سنجش ابعاد چندگانه والدگری هلیکوپتری در نوجوانان دختر ایرانی، ابزاری دقیق و قابل اطمینان است و سهولت استفاده، کوتاه بودن و ارزیابی دو عامل مهم از والدگری از نقاط قوت آن محسوب می‌شود.

سهم مشارکت نویسندگان: در پژوهش حاضر دکتر حسین پورشهریار، به عنوان استاد راهنما، نظارت و راهبردی روند کلی پژوهش و تدوین و نهایی‌سازی اصلاحات مقاله را بر عهده داشته‌اند. خانم فاطمه فولادی در تدوین طرح تحقیق، فرآیند گردآوری، تحلیل و تفسیر یافته‌ها و نگارش متن مقاله را برعهده داشته و در مجموع نتیجه‌گیری از یافته‌ها و بسط و تفسیر به صورت مشترک و با بحث و تبادل نظر کلیه همکاران و با همراهی دکتر سارا ابراهیمی، به عنوان استاد مشاور پایان‌نامه، انجام شد. همه نویسندگان نسخه نهایی مقاله را مورد بررسی قرار داده و تأیید نموده‌اند.

سپاسگزاری: پژوهش حاضر بدون همکاری مشارکت‌کنندگان امکان‌پذیر نبود؛ بدینوسیله از کلیه مشارکت‌کنندگان تقدیر و تشکر به عمل می‌آید.

تضاد منافع: نویسندگان اذعان می‌کنند که در این مقاله هیچ نوع تعارض منافی وجود ندارد.

منابع مالی: این مقاله از حمایت مالی برخوردار نبوده است.

References

- Amirsardari, L., Esmali, A., & Khademi, A. (2016). Psychometric properties of young parenting inventory. *Journal of Educational Psychology*, 7(1), 1-10.
- Arnold, D. S., O'Leary, S. G., Wolff, L. S., & Acker, M. M. (1993). The parenting scale: A measure of dysfunctional parenting in discipline situations. *Psychological Assessment*, 5(2), 137-147.
- Baumrind, D. (1971). Current patterns of parental authority. *Developmental Psychology*, 4, 27-42.
- Farahani, M., Basaknezad, S., Davoodi, I. (2013). The Effectiveness of Stress Management Group Training on Aggression, Parental Stress and Mental Health in Mothers of Children with Learning Disabilities. *Journal of Psychological Achievements*, 20(2), 217-232.
- Fortuna, E. (2016). *The Turkish translation, reliability, validity study of helicopter parenting instrument*. Unpublished Master Thesis, Near East University.
- Gafur, A., & Kurukkan, A. (2014). Construction and validation of a scale of parenting style. *Guru Journal of Behavioral and Social Sciences*, 2, 315-323.
- Galesic, M., & Bosniak, M. (2009). Effects of questionnaire length on participation and indicators of response quality in a web survey. *Public Opinion Quarterly*, 73(2), 349-360.
- Ganaprakasam, C., Davaidass, K. S., & Muniandy, S. C. (2018). Helicopter parenting and psychological consequences among adolescents. *International Journal of Scientific and Research Publications*, 8(6), 378-382.
- Ghorbani, A., & Juma Nia, S. (2018). The role of social factors (family, school, and peer group) in the socialization of students in Golestan province. *Applied Sociology*, 29(2), 113-128. [Persian]
- Hajkhodadadi, D., Etemadi, O., Abedi, M., & Jazaveri, R. (2021). Father involvement: the role of marital adjustment, mother-adolescent relationship quality and father's level of education. *Journal of Psychological Achievements*, 28(1), 241-262. [Persian]
- Hawk, C. K., & Holden, G. W. (2006). Meta-Parenting: an initial investigation into a new parental social cognition construct parenting. *Science and Practice*, 6(4), 321-342.
- Hirsch, D., & Goldberg, E. (2010). Hovering practices in and outside the classroom, time to land? *About Campus*, 14(6), 30-32.
- Hu, L., & Bentler, P. (1999). Cutoff criteria for fit indexes in covariance structure analysis: conventional criteria versus new alternatives. *Structural Equation Modeling*, 6(1), 1-55.
- Julaieha, S., Zare, H., & Mousavi, S. (2017). Evaluation of psychometric properties of the meta-parenting questionnaire. *PSJ*, 16(1), 42-48. [Persian]

- Kline, R. B. (2011). *Principles and practice of structural equation modeling (3rd Ed)*. New York, NY: Guilford.
- Kwon, K. A., Yoo, G., & De Gagne, J. C. (2017). Does culture matter? A qualitative inquiry of helicopter parenting in Korean American college students. *Journal of Child and Family Studies*, 26(7), 1979-1990.
- Kwon, K., Yoo, G., & Bingham, G. (2016). Helicopter parenting in emerging adulthood: support or barrier for Korean college students' psychological adjustment? *Journal of Child & Family Studies*, 25(1), 136-145.
- Lemoyne, T., & Buchanan, T. (2011). Does "hovering" matter? helicopter parenting and its effect on well-being. *Sociological Spectrum: Mid-South Sociological Association*, 31(2), 399-418.
- Leung, C., & Tsang Kit, M. S. (2014). Parenting style. in: Michal's ac, editor. encyclopedia of quality of life and well-being research Dordrecht. *Springer Netherlands*, 16(3), 311-319.
- Leung, J. T., & Shek, D. T. (2018). Validation of the perceived Chinese overparenting scale in emerging adults in Hong Kong. *Journal of Child and Family Studies*, 27(1), 103-117.
- Locke, J. Y., Campbell, M. A., & Kavanagh, D. (2012). Can a parent do too much for their child? an examination by parenting professionals of the concept of overparenting. *Journal of Psychologists and Counsellors in Schools*, 22(2), 249-265.
- Luebke, A. M., Mancini, K. J., Kiel, E. J., Spangler, B. R., Smlak, J. L., & Fussner, L. M. (2018). The dimensionality of helicopter parenting and relations to emotional, decision-making, and academic functioning in emerging adults. *Assessment*, 25(7), 841-857.
- Meyers, L. S., Gamst, G., & Guarino, A. J. (2006). *Applied Multivariate Research: Design and Interpretation*. London, New Delhi, Sage Publication, 466-485.
- Nabavi Hesar, J., Arefi, M., & Yousefi, N. (2018). Comparing the efficacy of family therapy based on Bowen's family systems theory and logo therapy on dyadic adjustment and clients' divorce tendencies. *IJFP*, 4(2), 43-60. [Persian]
- Odenweller, K. G., Booth-Butterfield, M., & Weber, K. (2014). Investigating helicopter parenting, family environments, and relational outcomes for millennials. *Communication Studies*, 65(4), 407-425.
- Perry, N. B., Dollar, J. M., Calkins, S. D., Keane, S. P., & Shanahan, L. (2018). Childhood self-regulation is a mechanism through which early overcontrolling parenting is associated with adjustment in preadolescence. *Developmental Psychology*, 54(8), 1542-1554.
- Pistella, J., Izzo, F., Isolani, S., Ioverno, S., & Baiocco, R. (2020). Helicopter mothers and helicopter fathers: Italian adaptation and validation of the helicopter parenting instrument. *Psychology Hub*, 37(1), 37-46.

- Rahmanian, M., Zare, H., & Pour Kashani, A. (2019). Comparison of the effect of transactional analysis with emotion regulation strategies on irrational beliefs and decision-making styles in female adolescents. *Journal of Psychological Achievements*, 26(2), 27-48. [Persian]
- Rather, S. (2017). *Literature review: ramification of helicopter parenting on adolescents and emerging adults*. Doctoral Dissertation, Leeds Beckett University.
- Rousseau, S., & Scharf, M. (2018). Why people helicopter parents? an actor-partner interdependence study of maternal and paternal prevention/promotion focus and interpersonal/self-regret. *Journal of Social and Personal Relationships*, 35(7), 919-935.
- Schiffirin, H. H., Erchull, M. J., Sendrick, E., Yost, J. C., Power, V., & Saldanha, E. R. (2019). The effects of maternal and paternal helicopter parenting on the self-determination and well-being of emerging adults. *Journal of Child and Family Studies*, 28(12), 3346-3359.
- Schiffirin, H. H., Liss, M., Miles-Mclean, H., Geary, K. A., Erchull, M. J., & Tashner, T. (2014). Helping or hovering? the effects of helicopter parenting on college students' well-being. *Journal of Child and Family Studies*, 23(3), 548-557.
- Segrin, C., Givertz, M., Swaitkowski, P., & Montgomery, N. (2015). Overparenting is associated with child problems and a critical family environment. *Journal of Child and Family Studies*, 24(2), 470-479.
- Segrin, C., Wozidlo, A., Givertz, M., Bauer, A., & Taylor Murphv, M. (2012). The association between overparenting, parent-child communication, and entitlement and adaptive traits in adult children. *Family Relations*, 61(2), 237-252.
- Shek, D. T., & Law, M. Y. (2014). Parental behavioral control, parental psychological control and parent-child relational qualities: Relationships to Chinese adolescent risk behavior. *Chinese Adolescents in Hong Kong*, 26(5), 51-69.
- Srivastav, D., & Mathur, M. L. (2020). *Helicopter parenting and adolescent development: from the perspective of mental health. In parenting studies from an ecocultural and transactional perspective*. IntechOpen.
- Tanhaye Reshvanloo, F., Saeidi Rezvani, T., & Kareshki, H. (2019). The canonical correlation between perceptions of parents and psychological and social well-being in students. *Sheik Journal of Psychology and Psychiatry*, 6(5), 141-155. [Persian]
- Van Ingen, D. J., Freiheit, S. R., Steinfeldt, J. A., Moore, L. L., Wimer, D. J., Knutt, A. D., & Roberts, A. (2015). Helicopter parenting: the effect of an overbearing caregiving style on peer attachment and self-efficacy. *Journal of College Counseling*, 18(1), 7-20.

